



جهات اقبال

دکتر علی بیات^۱

دانشیار زبان و ادبیات اردو، دانشگاه تهران

تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۳ شهریور ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۷ آبان‌ماه ۱۳۹۷)

دکتر تحسین فراقی مدیر «مجلس ترقی ادب» در شهر لاهور، تحقیقات ارزنده‌ای در معرفی، تبیین و بزرگداشت آثار و افکار علامه اقبال انجام داده است. کتاب *جهات اقبال* هم در ۲۰۷ صفحه درباره تبیین افکار و نظریات علامه اقبال است که چاپ آن از «بزم اقبال، لاهور» برای بار نخست در ۱۹۹۳ و چاپ دوم آن در ۲۰۱۶ میلادی انجام شده است. کتاب دارای ۹ مقاله است که بیشتر آن‌ها بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ در مجلات و نشریات هند و پاکستان به طور پراکنده چاپ شده است و حاوی مطالب و تحقیقات عمده‌ای در باب اقبال‌شناسی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحسین فراقی، *جهات اقبال*، علامه اقبال، جمهوریت، عصر و فکر اقبال.

^۱ E-mail: bayatali@ut.ac.ir

دکتر تحسین فراقی که این روزها مدیر «مجلس ترقی ادب» در شهر لاهور است، با سمت مدیریت گروه اردو در دانشگاه پنجاب پاکستان بازنشسته شد. وی که نویسنده‌ای مشهور است، تحقیقات ارزنده‌ای در آثار و افکار علامه اقبال و میرزا اسدالله خان غالب انجام داده است. او از منتقدان ادبی و مترجمین و شاعران مشهور و چیره دست پاکستان محسوب می‌شود.^۱

چنان‌که از نام کتاب مشخص است، دکتر تحسین فراقی این کتاب را همچون دو کتاب دیگرش *اقبال ندیده بینای قوم* و *اقبال چند نئے مباحث* (چند مبحث جدید از اقبال) درباره تبیین افکار و نظریات علامه اقبال نوشته است. ناشر کتاب، محمد حنیف شاهد مدیر سابق «بزم اقبال، لاهور» (متوفی ۲۰۱۸ میلادی) است. چاپ نخست کتاب در ۱۹۹۳ و چاپ دوم در ۲۰۱۶ میلادی انجام شده است. انتساب کتاب به نام دکتر شمس‌الرحمن فاروقی (متولد ۱۹۳۵) از محققین و منتقدین به نام ادبی اردو در هندوستان است. دیباچه توسط میرزا ادیب (۱۹۱۴-۱۹۹۹) از نویسندگان مشهور پاکستان که آثار قابل توجهی در داستان کوتاه، نمایشنامه، سفرنامه، نقد و ترجمه دارد، نوشته شده است. این دیباچه در ۹ صفحه است که به صورت مبسوط به معرفی و تبیین کتاب پرداخته است. دیباچه چاپ دوم را خود نویسنده نوشته و در چند سطر به این که چاپ اول کتاب از مدتی پیش به اتمام رسیده بوده و برخی اشتباهات نیز تصحیح شده و به طور کلی مورد بازنگری قرار گرفته است، اشاره دارد.

این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که نویسنده با مرکزیت تبیین و بررسی نظریات و دیدگاه‌های علامه اقبال نوشته است. بنا بر گفته نویسنده دیباچه کتاب، میرزا ادیب، کتاب دارای ۹ مقاله است که بیشتر آن‌ها بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ (سال چاپ نخست این کتاب) در مجلات و نشریات هند و پاکستان به طور پراکنده چاپ شده است (فراقی، ۸). نگاهی به عناوین مقالات کتاب خالی از لطف نیست.

- ۱- دیدگاه «اله» و مفهوم عبادت
- ۲- مسئله زمان از نظر فیلسوفان اسلامی
- ۳- جمهوریت از دیدگاه اقبال
- ۴- مشکلات عصر و فکر اقبال
- ۵- علامه اقبال و رنسانس اسلامی
- ۶- اقبال‌نامه، مرتبه: شیخ عطاءالله... توضیحات و تصحیحاتی چند
- ۷- جلوه خون گشت و نگاهی به تماشا نرسید
- ۸- مطالب اقبال
- ۹- مسائل اقبال

¹ <http://urduthesaurus.com/people-urdu>

اقبال به دعوت جامعه اسلامی مدراس در ۱۹۲۹ میلادی به جنوب هند سفر کرد و سخنرانی‌هایی به زبان انگلیسی در شهرهای مختلفی چون مدراس، حیدرآباد و علیگر ارائه داد (محمد شریف بقا، ۵). دکتر تحسین فراقی در مقاله نخست این کتاب همان‌طور که میرزا ادیب نیز اشاره کرده است، بر اساس سومین خطبه از سخنرانی‌های یاد شده با عنوان «دیدگاه اله و مفهوم عبادت» مقاله خود را ارائه داده است. به گفته محمد شریف بقا از اقبال‌شناسان مشهور اردو، علامه اقبال در این سخنرانی چندین نکته از جمله: تعبیر عملی حقایق دینی امکان‌پذیر است، صفات انای مطلق چیست و دیدگاه اسلامی خدا چیست؟، دیدگاه آفرینش جهان چیست و ارتباط خودی و زمان چیست و چندین نکته دیگر را تبیین و توضیح داده است (شریف بقا، ۴۹). دکتر تحسین فراقی در چند سطر نخست مقاله با شروعی جالب توجه که خواننده را جذب خویش می‌کند عنوان می‌کند که: «علامه اقبال شاعر نابغه‌ای بوده است که هم‌زمان به خدا، انسان و کائنات آگاهی و شعور داشت. به نظر ایشان زندگی یک فعالیت با معنی است که عبارت از دنیای جدید و امتحان جدید است. ذات خداوندی یک هستی قابل ستایش است که دائماً آفریده‌های خود را تحت نظر دارد و جدای از آن‌ها و بی‌ارتباط با آن‌ها نیست و انسان مخلوق مسئولی است که مسئولیت خلیفه‌اللهی را در زمین بر دوش خود دارد» (فراقی ۱۷). وی در این مقاله، چنان‌که گفته شد، چند مبحث مهم را مطرح و توضیح داده است. از جمله در جایی می‌نویسد که دو دیدگاه در این دنیا در مورد انسان مطرح است: یکی اختیار داشتن انسان و دیگری مجبور محض بودن او. در ادامه با کمک چند بیت از شعر «شمع و شاعر» از علامه اقبال این تضاد را توضیح داده است. در این مقاله با وجود استفاده و ذکر نکاتی از دیگر نویسندگان و شاعران از جمله برگسان و مولانا سعید احمد اکبرآبادی (۱۸ و ۱۹) و چند جای دیگر مقاله از دیگران، منابع مورد استفاده ذکر نشده‌اند و به این ترتیب مقاله بخش توضیحات و حواشی که برخی دیگر از مقالات از آن برخوردارند را ندارد.

مقاله دوم کتاب که «مشکل زمان از نظر فیلسوفان اسلامی» نام دارد در اصل ترجمه یک مقاله انگلیسی علامه اقبال با عنوان انگلیسی *The Problem of Time in Muslim Philosophy* است که گویا فقط یک صفحه از آن محفوظ مانده و استاد دکتر تحسین فراقی به طور اتفاقی آن را در بین دست‌نوشته‌های علامه اقبال یافته است. در حقیقت نویسنده همیشه در تحقیق در دیدگاه‌ها و افکار و آثار علامه اقبال به دنبال نکاتی بوده است که کم‌تر کسی بدان پرداخته باشد. وی بر اساس همین مقاله ناقص که علامه به مسئله زمان پرداخته است، مقاله‌ای مبسوط و عالمانه نوشته است. این‌که امر زمان از دید اقبال چیست و این امر در آثار شعری و نثری او چگونه نمود پیدا می‌کند، چیزی است که به نظر نویسنده علامه اقبال تا واپسین روزهای عمرش بدان توجه داشته است. به نظر او از آخرین مصرع اولین سروده مجموعه *بانگ درا* با نام «هیمالیا» (ای گردش ایام به سوی گذشته سرعت بگیر) تا آخرین

قطعه (سر آمد روزگار این فقیری) که در لحظات آخر بر زبان علامه جاری بود، تمام ماجرا به «گردش ایام» و «روزگار این فقیر» بر می‌گردد (فراقی ۲۶).

دکتر تحسین فراقی با توجه به همین مقاله ناقص اقبال نکاتی را کشف و مشخص کرده است:

- ۱- تشابهاتی در دیدگاه زمان اسلامی و غربی وجود دارد.
- ۲- در متافیزیک جدید دیدگاه زمان جایگاه مرکزی دارد.
- ۳- بوعلی سینا، ابن رشد و محمود جونپوری هرگز ضرورت توجه به ماهیت زمان را حس نکردند.
- ۴- علمای علم کلام سنتی، اعتراضاتی را بر دیدگاه ثابت و ساکن زمان از دیدگاه ارسطو وارد کردند.
- ۵- در علم کلام و روان‌شناختی دینی برای اولین بار اهمیت یافتند.
- ۶- تحقیقات علمای علم کلام، راه را برای دیدگاه ارتقاپذیر حرکت از دیدگاه ابن مسکویه هموار کرد و به این ترتیب ابوریحان بیرونی عدم تناسب نظریه سکون را واضح کرد.
- ۷- دیدگاه زمان از منظر ابن خلدون که حاوی حرکت آفرینش‌گری پیوسته است، اساس فلسفه نوین تاریخ ما را بنیان گذاشت (فراقی ۳۱-۳۲).

نکته جالب توجه در این مقاله این است که دکتر تحسین فراقی تصور زمان از دیدگاه اقبال را در تمام آثار و تمام زندگی او مورد بررسی قرار داده است. بر خلاف مقاله قبلی این مقاله دارای بخش «حواشی» است.

مقاله بعدی مقاله جمهوریت از دیدگاه اقبال نام دارد. در مورد نگاه اقبال به نوع حکومت جمهوری نویسنده نکته جالبی را در این مقاله نوشته است: او به همان میزان که حکومت جمهوری را می‌پسندد، بیش از آن به نقد این طرز حکومت می‌پردازد. حقیقت این است که در پس پرده مورد پسند واقع شدن حکومت جمهوری از سوی اقبال، تلقی پویا، پرحرارت و سنت‌پرست او از زندگی حکمفرماست. همان که می‌تواند زمینه فرصت‌های بی‌شمار ظهور آزادی فردی را فراهم بیاورد. علامه اقبال به تعریف و تمجید این جنبه مثبت آزادی فردی می‌پردازد. اما آن‌جا که به جنبه‌های منفی حکومت جمهوری نظر می‌کند، آن‌جا که به جای کیفیت، کمیت و به جای استعداد، شهرت موجب برتری می‌شود، نگاه تیزبینش آن‌ها را برملا می‌کند (فراقی ۴۱). این مقاله را می‌توان از بهترین مقالات دکتر تحسین فراقی که در دسترسی به گوشه‌های پنهان نظریات و دیدگاه‌های اقبال، موفق بوده دانست. در پایان مقاله که حدود ۲۰ صفحه است، بخش «حواشی» ذکر شده است.

در مقاله «مشکلات عصر و فکر اقبال»، نویسنده بر این عقیده است که عنصر تشکیل دهنده تفکر اقبال عبارت از دو چیز است: نخست عنصر تصادفی و موقتی (contingent) و دوم عنصر پایدار و

ابدی (permanent) شعور زنده به دوره خود و ماورای دوره خود، به شعر اقبال خصوصیت فرازمانی و فرامکانی داده است:

عشق کی تقویم میں عصر رواں کے سوا اور زمانے بھی ہیں، جن کا نہیں کوئی نام
(بانگ درا)

مفهوم این بیت این است که در تقویم عشق، به جز دوره حاضر، زمان‌های دیگری نیز هست که نمی‌توان نامی برای آن یافت. دکتر تحسین فراقی بر این عقیده است که اگر در این بیت به جای واژه «عشق»، واژه «شعر» یا فکر را بگذاریم، در این صورت نیز حقیقت همان خواهد بود که با واژه «عشق» دریافت می‌شود (فراقی ۶۲). افزون بر آن این بیت در روشن کردن نظریه زمان اقبال هم می‌تواند مثال مناسبی باشد.

در مورد مقاله «علامه اقبال و رنسانس اسلامی»، دکتر رفیع‌الدین هاشمی از اقبال‌شناسان به نام پاکستان که کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آورده است می‌گوید: در این مقاله نویسنده در مورد اقبال می‌نویسد که او به مشکلات فکری، فلسفی و روحانی روزگار خود به دیده یک حکیم و نظریه‌پرداز نگرسته و واکنش هنرمندانه به آن‌ها نشان داده است، که عبارت بوده است از بررسی و تجویز نسخه شفابخش به آن‌ها همانند یک مسلمان واقعی در پرتو قرآن و سنت و حکمت بالغه (ترجمان‌القرآن، آوریل ۱۹۹۴، ۹۷).

نامه‌هایی که علامه اقبال چه به زبان اردو و چه به زبان انگلیسی، برای دوستان و نزدیکان خود نوشته است، اغلب به صورت کتاب چاپ شده‌اند. از جمله مقالات کتاب پیش رو یکی با عنوان: «اقبال نامه مرتبه: شیخ عطاءالله، توضیحات و تصحیحاتی چند»، می‌باشد که در آن دکتر تحسین فراقی عدم توجه به صحت متن نامه‌ها و راه یافتن اشتباهات بی‌شمار و غیرقابل چشم‌پوشی در چاپ و انتشار نامه‌های علامه اقبال و ارائه چند نمونه مستند از این اشتباهات در این مقاله پرداخته است. پس از یک مقدمه مختصر و عالمانه در مورد دقت به صحت متن، به اختصار در مورد چاپ‌های مختلف نامه‌های علامه اقبال اشاره کرده است. سپس در مورد مجموعه *اقبال‌نامه* که توسط شیخ عطاءالله جمع‌آوری و چاپ شده است، پرداخته است. ناگفته نماند که عنوان کتاب قابل توجه است که گردآورنده نامه‌های علامه آن را با در نظر گرفتن این‌که کتاب حاوی نامه‌های اوست، اقبال‌نامه نام‌گذاری کرده است. دکتر تحسین فراقی به اختصار ۱۵ گونه از اشتباهات موجود در این مجموعه را یادآور شده است. سپس به صورت مستند ۳۵ مورد از اشتباهات موجود در متن و صورت‌های صحیح آن را نوشته است. نگاه به این دو مورد از دقت بسیار و آگاهی عالمانه ایشان حکایت دارد. در میان این بحث به صورت مختصر اما مستند به رویکرد علامه اقبال به تصوف و به ویژه تلقی او از «تصوف عجمی» که ترکیبی کاملاً

ساخته و پرداخته علامه اقبال است، پرداخته است. نکته جالب اینجاست که تا این قسمت از مقاله که از صفحه ۸۸ تا ۹۸ می‌باشد، توضیحات لازم در پاورقی آورده شده است. در بخش بعدی مقاله ۴ نامه از جلد اول اقبال‌نامه و ۳ نامه از جلد دوم اقبال‌نامه را با درج متن موجود در کتاب مجموعه نامه‌های اقبال را در مقاله آورده و سپس تحت عنوان تعلیقات و حواشی، در مورد هر نامه توضیحاتی ارائه کرده است.

مقاله دیگر و مهم و درخور توجه این کتاب «جلوه خون گشت و نگاهی به تماشا نرسید» می‌باشد. در آغاز مقاله نویسنده محترم از نامه‌ای از سوی اقبال برای عطیه بیگم از زنان مشهور و از نزدیکان فکری اقبال در آن دوران بخشی را آورده است. آن‌جا که اقبال گفته است: من برای خودم هم یک معما هستم. اما اگر آن دسته از تفکرات من که در ژرفای روحم، طوفان‌ها به پا کرده‌اند، برای مردم آشکار شوند، یقین واثق دارم که من مورد پرستش قرار خواهم گرفت. و در ادامه این نظریات علامه اقبال را نه تعلی که حقیقتی غیر قابل انکار می‌خواند.

سپس این بحث را پیش می‌کشد که آیا اقبال‌شناسان و اقبال‌پژوهان حق اقبال‌شناسی و اقبال‌پژوهی را به جا آورده‌اند؟ آن‌چنان که درخور مقام اقبال است؟ به نظر او اگر تمام نوشته‌های پژوهش‌گرانی چون یوسف حسین خان، رشید احمد صدیقی، خلیفه عبدالحکیم، عزیز احمد، مرزا محمد منور و دکتر سید عبدالله و تنی چند را با هم جمع کنیم شاید شمه‌ای کلی از اقبال به دست داده شود. اما در نهایت اقبال‌شناسان و اقبال‌پژوهان را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- منتقدینی که عالم به ادبیات غربی بودند، اما از ادبیات شرقی، خواص و نهاد و شرایط و مطالبات آن آگاه نه بودند. مثل کلیم‌الدین احمد و غیره
- ۲- منتقدینی که به راه و روش ادبیات شرقی آگاهی داشتند، اما به ادبیات غربی کم‌تر احاطه داشته‌اند، مثل عبدالسلام ندوی و غیره.
- ۳- منتقدینی که نسبت به فکر و آگاهی‌های مرکزی اقبال کم‌تر موافقت و همدردی داشته‌اند و در مورد فکر اقبال تعبیر و تفاسیری ظهور پیدا کرد که خود اقبال هم اگر این موارد را می‌شنید و می‌خواند دچار حیرت می‌شد. کسانی چون مجنون گورکھپوری، علی سردار جعفری و غیره.
- ۴- مستشرقین، که به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، ایتالیایی و غیره در مورد علامه اقبال نوشتند و یا اشعارش را ترجمه کردند. مثل نیکلسون، آربری، پرگارینا، بوزانی و غیره (فراقی، ۱۴۳-۱۴۵).

به نظر می‌رسد در این میان نکته این‌جاست که دکتر تحسین فراقی در گروه چهارم تقسیم‌بندی به مستشرقین اشاره کرده است، اما به طور مستقل به اقبال‌شناسان و اقبال‌پژوهان ایرانی و عربی اشاره

نکرده است. نکته پایانی در این خصوص این است که به نظر دکتر تحسین فراقی، در مورد اقبال بیشتر مطالعات حرکت افقی داشته و فقط به پهنای آن پرداخته شده و کم‌تر به عمق افکار او پرداخته شده است.

اگرچه شاید بتوان این کاستی را به این صورت توجیه کرد که این پژوهش‌گران در زمره دسته‌بندی اول تا سوم، جایی که اقبال‌شناسان و اقبال‌پژوهان هندی و پاکستانی قرار دارند، قلمداد کرده است. البته ناگفته نماند که در متن مقاله به تفصیل در ۵ صفحه به خدمات ایرانیان در اقبال‌شناسی و اقبال‌پژوهی پرداخته است. به نظر او تا جایی که وی توانسته به مطالعه در نوشته‌ها و تحقیقات ایرانیان در مورد اقبال بپردازد، این امر مشخص می‌شود که فقط اقبال است که ایرانیان بعد از خسرو دهلوی، به یک شاعر هندی‌نژاد توجه کرده‌اند (فراقی ۱۵۸). به هر حال این مقاله عالمانه بسیار طولانی و مفصل است و دارای بخش حواشی هم می‌باشد.

نکته پایانی در خصوص این کتاب این است که نویسنده محترم در بعضی مقالات به منبع اقتباسات و یا مطالب اخذ شده و همچنین اشعار ذکر شده از اقبال، اشاره کرده و در بعضی نکرده است. از نکات دیگری که در مورد مقالات این کتاب می‌توان اشاره کرد، افزون بر همین عدم هماهنگی در ذکر و یا عدم ذکر منابع اشعار در برخی از مقالات، در مورد نحوه نگارش استاد دکتر تحسین فراقی است که به قطع یقین از عالمانه‌ترین‌های نثرهای معاصر در زبان اردو به شمار می‌رود، می‌توان سخن گفت. وجود واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی و عربی زیاد که خود نشانگر احاطه کامل او به این دو زبان است در مقاله‌ها نمود روشنی دارد.

References

منابع

تحسین فراقی (۲۰۱۶). *جهات اقبال*، بزم اقبال، لاهور، چاپ دوم.



Jehat-e-Iqbal

Ali Bayat¹

Associate Professor, Department of Urdu language and literature, University of Tehran, Iran.

(Received: 04 September 2018; Accepted: 29 October 2018)

Dr. Tehseen Faraqi, director of the “Majlis-e-Taraqqi-e-Adab” in Lahore, has done a valuable research in introducing, explaining and celebrating the works of Allama Iqbal. Iqbal's book has 207 pages and it is about explaining Allama Iqbal's thoughts and ideas, which was published in "Bassam Iqbal, Lahore" for the first time in 1993 and its second edition in 2016. The book has 9 papers, most of them were published periodically between 1983 and 1993 in journals of India and Pakistan, which are major articles on Iqbalogy.

Keywords: Tehseen Faraqi, *Jehat-e-Iqbal*, Allama Iqbal, Republicanism, Evening and Thought Iqbal.

¹ E-mail: bayatali@ut.ac.ir